

موقف مسلمانان در برابر هتک حرمت به مقدساتشان چگونه باید باشد؛ سرخوردگی و تسلیم شدن یا درایت و تلاش مجدانه!

(ترجمه)

خبر:

خبر سوزاندن نسخه‌ای از قرآن در سویدن در روز شنبه 2023/1/21م و متعاقباً دو روز بعد از آن نسخه‌ی دیگر در شهر لاهه هلند منتشر شد و این کار هردو دولت با موافقت خود دولت صورت گرفت. واکنش مسلمانان حیرت‌آور بود؛ چنانچه مراجع فتوا و سازمان‌های رسمی اسلامی آن را یک اقدام تحریک‌آمیز و جنایت ناپسند توصیف کردند. مواضع حکام مسلمانان در حد تهدید بوده و اظهار داشتند که سوختاندن قرآن منجر به شعله‌ور شدن احساسات مسلمانان شده و موجب نفرت و درگیری خواهد شد.

تبصره:

این نخستین بار نیست که به مقدسات مسلمانان بی‌حرمتی می‌شود؛ از هتک حرمت به قرآن کریم تا توهین به رسول الله صلی الله علیه و سلم و ویران کردن مساجد. گذشته از این‌که همواره به جان، مال و آبروی مسلمانان دست‌درازی نموده و انواع و اقسام ظلم و بی‌داد را در حق آنان روا می‌دارند. آنچه در واکنش‌های مسلمانان قابل تأمل است، موقف عام مسلمانان است.

موقف حکام مسلمانان ارزش تأمل و درنگ را ندارد؛ زیرا آن‌ها دشمنان امت بوده و با دشمنان موالات و دوستی دارند؛ امت از آنان متنفر بوده و آنان از امت. قرآن و هیچ یک از مقدسات مسلمانان برای‌شان اهمیتی ندارد. از این رو، مواضع آنان، محکومیت تعرض به قرآن نبوده؛ بلکه محکومیت اعمال تحریک‌آمیزی است که مبدا سبب شود امت دست به اقداماتی بزند که خارج از کنترل باشد. این بیانگر آنست که مواضع این حکام دفاع از قرآن نه؛ بلکه حفاظت از حاکمیت و نظام‌های شان می‌باشد.

اما مواضع مراجع فتوا و سازمان‌های اسلامی، تابع نظام‌های حاکم بوده و به فرد ساکتی می‌ماند که شعور نداشته، مسئولیت‌پذیر نمی‌باشد و همچنان یک دسیسه پیش‌یا افتاده بوده که جز نیرنگ و گمراهی چیزی را به بار نمی‌آورد و یا به فرد ساده‌لوحی می‌ماند که فاقد دیدگاه مستقل است. مراجع فتوا فقط به تحریم کالاها می‌توانند فتوا دهند و بس! در میان این نهادها کسی نیست که از حکام بخواهد با این دولت‌ها قطع رابطه کنند یا بیانیه گمراهی، کفر و فسادشان را به جهان صادر کنند و آن‌ها را بسوی اسلام فرا بخوانند. از این رو، این نهادها با پیش‌گویی هشدار نسبت به اسلام‌هراسی و دامن زدن به نفرت بین ادیان برآمده‌اند.

بنابر این، مواضع حکام مسلمانان و مراجع فتوا و سازمان‌های دینی رسمی چندان جای تأمل را ندارند، به ویژه پس از تکرار مواضع شان و بعد از آن‌که معلوم شد که آنان، تربیه‌شده‌گان و ابزار غرب کافر بوده و وظیفه شان، آماده‌سازی امت برای جهل و کرنش به اربابان شان و همچنان مشغول کردن امت به آرزوهای بی‌ارزش و احمقانه می‌باشد. اما آنچه درخور تأمل و دقت است، موضع‌گیری ضعیف امت است؛ در حالی‌که در گذشته مواضع قوی‌تر و بزرگ‌تری را در برابر اقدامات مشابه اتخاذ می‌کرد. آیا امت به سبب شکست مکرر از نتایج، ناامید شده است؟ آیا احساس شکست می‌کند و یا غرب کافر، مسلمانان را به مشاهده هتک مقدسات شان عادت داده یا هم علت چیز دیگری است؟

این موضوع، جای درک و تأمل را دارد؛ زیرا امت موضع عمل و فعالیت بوده و توانایی‌هایش منابع قویی برای تغییر و تحول می‌باشد. بر اساس رویدادهای تاریخی و اخیر یأس و ناامیدی در امت جای ندارد و اگر به برخی از افراد یا گروه‌های از مسلمانان سرایت کند، به عموم مسلمانان سرایت نخواهد کرد. وسایل ارتباط جمعی - علی‌رغم رسانه‌های نظام‌های حاکم- میزان خشم مسلمانان را که با سرخوردگی و درد آمیخته است، نشان داده و تنها دلیل خشم‌شان را می‌توان، بسته بودن راه‌های واکنش فعال و مؤثر عنوان کرد.

اما تکرار بی‌حرمتی و تجاوز به مقدسات و احکام اسلام، برخی از مسلمانان را به این باور رسانیده که انگار کدام راه صحیحی برای مبارزه و مقابله با آن وجود ندارد. بنابراین، ناامیدانه تسلیم و اقعیت شدند که این نیز نادرست است؛ زیرا اسلام یک عقیده زنده و تأثیرگذار دائمی بوده و مسلمان همواره شکست می‌خورند تا دوباره به پا خیزند.

(إِنَّ الدِّينَ اتَّقُوا إِذَا مَسَّهُمْ طُغْيَانٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ) [اعراف: 201]

ترجمه: پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌ای از شیطان می‌شوند، به یاد (عداوت و نیرنگ شیطان و عقاب و ثواب الله سبحانه و تعالی) می‌افتند و (بر پرتو یاد الله و به خاطر دشمنی شیطان) بینا می‌گردند (و آگاه می‌شوند که اشتباه کرده اند و از راه حق منحرف شده اند و لذا شتابان به سوی حق بر می‌گردند).

اگر ناامیدی به برخی از مسلمانان و یا به گروهی از آنان سرایت کند، خیلی زود به خود آمده و به واقعیت پی خواهند برد. موضوع ناتوانی عموم مسلمانان، در چگونگی انجام عملی است که تجاوزگران و دولت‌ها را تأدیب کرده و قلوب مسلمانان را شفاء دهد و دلیل آن، واکنش‌های اکثر مسلمانان در اماکن مختلف می‌باشد؛ با آن‌که این واکنش‌های شان عمیق و تأثیرگذار نیست؛ اما نشان‌هایی است مبنی بر این‌که نمی‌توان امت اسلامی را عادت داد تا در برابر بی‌حرمتی به دینش بی‌تفاوت باشد.

در حقیقت این مواضع امت گواه بهره‌مندی آن از تجربیات فراوانی است که در آن به ندای نادرست و گمراهکن بسوی آزادی و تغییر پاسخ داده است. بارها میلیون‌ها تن در بسیاری از سرزمین‌ها و در مناسبت‌های مختلفی به پا استاده و قربانی‌ها داده اند. سپس نمایان شد که دوباره تسلیم مزدوران و تجار قضایا و بیانات دروغین شده و به سرعت به سوی پروژه‌های جدیدی بدون تفکر و درک عمیق رفتند و به اقداماتی پرداختند که آن‌ها را ضعیف‌تر و محدودتر نمود. از این رو، آنچه در امت می‌یابیم؛ ناامیدی از داشتن توانایی تغییر، تسلیمی در برابر سلطه کفر، رضایت به حکام مزدور و همزیستی با هتک‌حرمت به مقدسات و احکام اسلام نبوده؛ بلکه مشکل اینجاست که امت قبل از طی نمودن مسیری و پرداختن به کاری تحقیق و بررسی نکرده و سرانجام و عواقب آن اقدامات خود را نمی‌سنجد و این تفکر باید میان احساس و عمل به میان آید. بنابراین، واکنش‌های کم‌رنگ دلیل بیداری امت است؛ زیرا امت در جستجوی واکنش درست و مناسبی است تا با پرداختن به آن درس لازم را به دشمنان گستاخ خود داده و قلوب مسلمانان را شفا دهد.

بلی، این موضوع دلیل بر بیداری و آگاهی است، نه غیر آن. تحریک امت در هر اقدامی و یا پیمودن مسیری برای تغییر، مستلزم ارائه دید قانع‌کننده از سطح کلی تفکر در آن است؛ به این دلیلی‌که این عمل و یا این منهج هدف را تحقق بخشیده و تغییر مطلوب را به میان می‌آورد و بر نیروهای دشمنان غلبه کرده و مکر بزرگ شان را نابود می‌سازد. موفق بودن طرح و پلان به تنهایی کافی نیست؛ بلکه لازم است که برای امت، قانع‌کننده نیز باشد تا امت آن را با ارزش و بزرگ دانسته و هزینه آن را بپردازند.

به هر حال، نمی‌توان امت را به خاطر مواضع آن مقصر دانست؛ زیرا طرح و پلان بدون رهبر به درستی پیش برده نمی‌شود. مسئولیت بر عهده کسی است که در آوردن تغییر و رهبری امت یا سوق دادن آن برای بکارگیری نیروهایش در تحقق هدف مطلوب پیش‌گام شود. امروزه امت با شوق و اشتیاق فراوان منتظر آمدن رهبری است که با خود طرح و پلان بزرگ و قانع‌کننده به همراه دارد.

نویسنده: محمود عبدالهادی

مترجم: محمد مزمل